



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی آسیب شناسی امور پرورشی در مدارس

مریم کریمی^۱

۱- کارشناسی ارشد جغرافیا

چکیده:

در مدارس یکی از مهمترین و موثرترین فعالیت های فرهنگی است که به علت فرصت کم خانواده ها و اولیاء در تربیت فرزندان می تواند جایگزین نقش خانواده در تربیت اجتماعی دانش آموزان شود البته فعالیت امور تربیتی یک پل ارتباطی مدرسه با خانواده است. فعالیت های فوق برنامه (غیر رسمی) زمانی موفق است که بر اساس نیازهای عاطفی، اجتماعی، شناختی و جسمانی دانش آموزان باشد و مهمتر اینکه مکمل آموزش باشد. نهاد امور تربیتی و در پی آن فعالیت های پرورشی در مدارس نیز بر همین اساس در پیکره آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. آموزش و پرورش در پروراندن فرد و در بالنده کردن جمع نقش حیاتی دارد. شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی آنها در زمینه های مختلف و رشد موزون و متعادل انسان در جنبه های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی مسئولیت های سنگینی است که آموزش و پرورش باید به انجام برساند. تحقق این امر مستلزم ایجاد سیستم مدیریتی اثربخش و مدیران خوش فکر و خلاق و کارآمد در این نظام میباشد.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، امور پرورشی، نقش حیاتی.

Abstract

In schools, it is one of the most important and effective cultural activities that can replace the role of the family in the social education of students due to the lack of opportunities for families and parents to raise their children. informal) is successful when it is based on the emotional, social, cognitive and physical needs of students, and more importantly, it is a supplement to education. The institution of educational affairs and subsequent educational activities in schools have been formed on this basis in the structure of the education system of the Islamic Republic of Iran. Is. Education plays a vital role in raising the individual and raising the collective. Identifying the talents and creating the necessary conditions for their flourishing in various fields and the harmonious and balanced growth of human beings in the intellectual, emotional, social and physical aspects are heavy responsibilities that education and Cultivation must be done. The realization of this requires the creation of an effective management system and thoughtful, creative and efficient managers in this system

Key words: pathology, educational affairs, vital role



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه:

دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند همواره برای ایجاد نهادی در جامعه، وجود یک نیاز اساسی و استمرار آن نیاز ضرورت دارد. نهاد امور تربیتی و دربی آن فعالیت‌های پرورشی در مدارس نیز بر همین اساس در پیکره آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. سابقه تشکیل امور تربیتی به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در واقع از سال ۱۳۴۱ و پیش از اینکه نام وزارت فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش تغییر یابد، به تغییر فرهنگ و پرورش نسل جوان متناسب با اهداف انقلاب در اصطلاح سفید شاه اقدام شده بود. سازمان پیشاهنگی و سازمان جوانان شیروخورشید از جمله نهادهای تربیتی بودند که در جهت این اهداف فعالیت می‌کردند. بعدها اداره کل امور تربیتی و دو اداره امور فعالیت‌های برنامه و اداره امور اردوها و مسابقات هنری و درسی، همراه سازمان پیشاهنگی و سازمان جوانان شیروخورشید مسئولیت پرورش دانش‌آموزان را عهده‌دار شدند. مدارس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم گرفتار فرهنگ غربی و ارزش‌ها و سنت‌های شاهنشاهی و هم آماج حملات گروه‌های سیاسی بودند. در این زمان، نهاد امور تربیتی در سال ۱۳۵۸ تأسیس شد. در حقیقت، تأسیس این نهاد پس از انقلاب به قصد حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، ترویج ارزش‌ها و معارف اسلامی، مبارزه با افکار انحرافی و مخرب پس از دوران پیروزی انقلاب و با انگیزه‌های سیاسی همراه بود. مسائلی چون هنجارهای رفتاری دانش‌آموزان و مهارت‌های زندگی، بعدها و با توجه به اقتضات و اوضاع پیش‌آمده به دیگر فعالیت‌ها و مسئولیت‌های امور تربیتی افزوده شد و در واقع در پیدایش این نهاد نقشی نداشتند. اسناد و عملکرد این نهاد در دهه نخست انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که امور تربیتی کارکردی سیاسی داشته و وظیفه آن مبارزه با گروه‌های سیاسی مخالف انقلاب، بازماندگان رژیم سابق و نیز تأمین نیرو برای جبهه و جنگ بود؛ از این رو، با تثبیت نظام جمهوری اسلامی، حذف گروهک‌ها و پایان جنگ این وظیفه پایان یافت (رحمتی، ۱۳۹۳: ۱۱). این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که: تمور پرورشی و تربیتی دچار چه آسیب‌هایی است و راهکارها چیست؟

مرادی در کتاب آسیب‌شناسی تربیت دینی، نوشته است که آموزش و پرورش پیش از انقلاب بر مفهوم Education (تعلیم و تربیت) استوار گشته که برخاسته از اخلاق ارسطویی بود. این اخلاق منبعث از جامعه نخبه‌سالاری اشرافی بود که هیچ‌گونه سازگاری با اخلاق اسلامی ندارد. پس از انقلاب بدون توجه به تفاوت‌های ماهوی مفهوم تربیت مستتر در Education با مفهوم تزکیه، امور تربیتی که مبتنی بر اصل خدامحوری بود، برای پرکردن خلأهای نظام آموزشی تأسیس شد. این نهاد با کل نظام آموزش و پرورش وقت، از نظر مبنایی متفاوت و در عمل هماهنگی نداشت (مرادی، ۱۳۸۲، ص ۲۱-۲۲).

این ناهماهنگی در عمل سبب جدایی هرچه بیشتر آموزش از پرورش شد. خواست بنیان‌گذاران امور تربیتی پس از انقلاب، هرگز جدایی آموزش از پرورش نبود. آنان می‌خواستند آموزش به تربیت و پرورش نسلی با ایمان و متعهد بینجامد. اما این خواست هرگز در ساختار برنامه درسی جای نگرفت و معلم و کتاب‌های درسی رسالت آموزش و مربی پرورشی و امور تربیتی رسالت تربیت را عهده‌دار شدند. بررسی چگونگی برنامه‌های عرضه‌شده امور تربیتی از بدو تأسیس تاکنون و ارزیابی و آسیب‌شناسی این فعالیت‌ها ضرورت دارد. این کار می‌تواند جایگاه نهاد امور تربیتی را در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور شرح دهد و راهکارهای سودمندی برای پیمودن راه و دستیابی به اهداف بسیار سودمند و مؤثر عرضه کند.

شاید یکی از اشکالات موجود، همین فاصله فزاینده بین اهداف آرمانی و واقعیت‌های جاری باشد؛ چون با نگاه اجمالی به قانون، اهداف و وظایف آموزش و پرورش (مصوب مجلس شورای اسلامی در ۱۳۶۶) و کلیات تغییر نظام آموزش و پرورش (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۶۶) درمی‌یابیم؛ به آنچه از نظر جنبه‌های ارزشی، اخلاقی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی، خواهان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انتقال و ترویج آن به نسل آینده هستیم، به نحو شایسته توجه شده است؛ پس علت پیدایش گسست فزاینده میان اهداف و برنامه‌ها از یک سو و انتظارات تربیتی از سوی دیگر چیست؟ چرا بین آنچه در میدان نظر و «قصد» بیان شده و آنچه در میدان «عمل» و «اجرا» صورت می‌گیرد با آنچه در بازده نهایی «کسب» می‌شود ارتباط معناداری وجود ندارد؟ چرا بین آنچه در برنامه‌های آموزش و پرورش و کتاب‌های درسی «قصد» کرده‌ایم و آنچه دانش‌آموزان در رفتار خود کسب کرده‌اند، نه تنها فاصله‌ای وسیع، بلکه بعضاً تعارضی عمیق وجود دارد؟ (کریمی، ۱۳۸۳، ص ۱۴-۱۵)

یافته های پژوهش:

سه حیطه چالشی در امور تربیتی

در یک بررسی نه چندان عمیق بر موانع و چالش‌های پیش روی امور تربیتی و فعالیت‌های مربیان به این نکته پی خواهیم برد که چالش‌ها عمدتاً در سه حوزه: روشها، محتوا و اجتماع بیشتر خودنمایی می‌کنند. اساساً تربیت دینی طبیعتی تدریجی و پیچیده دارد. از این رو سوء روش و فهم، در ناکامی‌های مباحث تربیتی نقش مهمی دارند. شیوه‌های انتقال و پرورش استعدادها درونی دانش‌آموز نباید یکنواخت و کلیشه‌ای باشد، لذا باید در شیوه‌ها و روش‌های تربیتی بازنگری و آن را روزآمد کرد. مربیان کم سواد و ناآگاه به روشهای نوین، موجب دلزدگی و خسارت دانش‌آموزان می‌شوند.

آمیخته کردن بیش از حد آموزش و تربیت دینی با غم و اندوه و اجبار یک روش نامناسب در این زمینه تلقی می‌گردد. خرد و اندیشه و استدلال در ارائه مباحث دینی نقش ارزنده دارد. در این وادی نباید احساسات و عواطف بر عقل غلبه داشته باشد. در حیطه اجتماع نیز دانش‌آموزان تحت تأثیر خانواده یا محیط زندگی، رسانه‌های ارتباط جمعی (سمعی و بصری)، دوستان و همسالان تشکل‌های غیررسمی و ... و نظایر آنها قرار دارند.

بنابراین به همان میزان که برنامه ریزی و توجه به گرایش جوانان به رفتارهای دینی و معنوی لازم و ضروری است، آسیب شناسی فرآیند فعالیت‌های تربیتی مدارس نیز ضرورت دارد. چرا که شناسایی آفت‌هایی که در طول مسیر عملکرد مربیان ظاهر می‌شوند و ارائه راهکارها در رفع آنها، بهبود کارکرد نظام تربیتی جامعه را به دنبال خواهد داشت (بابایی، ۱۳۹۷: ۱۳).

۱. چالش معرفتی و نظری:

امروز در زمینه تربیت دانش‌آموزان با پرسش‌ها و ابهامات فراوان روبرو هستیم. جالب است بدانیم مبانی نظری اسلام حتی برای مربیان تربیتی ما روشن نشده است. واقعیت این است که ما در سه چهار قرن گذشته متناسب با زمان پیش نرفته‌ایم. در تولید نظر، تئوری پردازی و توسعه علوم و فنون پیشرفت‌چندانی نداشته‌ایم. در حال حاضر در تمام زمینه‌ها؛ علی‌الخصوص در حوزه فرهنگ و تعلیم و تربیت نظریات مشخص و نو ارائه و باز تولید نکرده‌ایم. ما اگر بخواهیم در این حوزه چالش‌های موجود را از سر راه برداریم به قول احیاگر عصر، سیدجمال‌الدین اسدآبادی: «عالمانه و مجدانه مبادی علوم و فنون و فرهنگ و تمدن جدید غرب را بشناسیم و کار را از آنجا آغاز کنیم و گرنه بدون فکر و اندیشه و تئوری روشن هر کاری کنیم تیر در تاریکی افکندن است».

بنابراین تدوین فلسفه تعلیم و تربیت دینی که با عصر جدید و روحیات نسل جوان امروزی سنخیت داشته باشد یک ضرورت است (رمضان آبادی، ۱۳۹۳: ۱۴).

شهید مطهری حدود نیم قرن پیش به روحانیت می‌گوید:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

«... در هدایت و رهبری نسل قدیم که سطح فکرش پایین تر بود ما احتیاج داشتیم به یک طرز بیان و تبلیغ و یک جور کتاب ها، اما امروز آن طرز بیان و آن طرز کتاب ها به درد نمی خورد، باید و لازم است رفرم و اصلاح عمیقی در این قسمت ها به عمل آید. باید با منطبق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.» (شهیدمطهری، ده گفتار، ص ۱۴۳).

وجود نارسایی و ابهام در زوایای گوناگون نظام تربیتی ما کاملاً مشهود است. در دنیای امروز باید به پرسش های اساسی ذهن خود و جوانان پاسخ در خور داد، یعنی در واقع باید یک فلسفه تعلیم و تربیت رشد یافته تدوین کرد. شاید عقب افتادگی ها در عرصه نظام تربیتی و آسیب پذیری فرهنگی از همین نقطه سرچشمه گرفته باشد. چرا که چالش ها و آسیب ها در این زمینه؛ به اشکال مختلف هویداست:

۱،۱) شبه زاد بودن برخی بحث های اعتقادی به دلیل نبود استحکام دلایل مربوطه.

۱،۲) نبود شاخص های هنجاری و ابهام در توقعات از تربیت دانش آموزان.

۱،۳) عدم تناسب محتوای کتاب و برنامه های پرورشی با نیازهای امروزی مثل آزادی، دموکراسی و...

در این باره به نظر می رسد بهترین راهکار این است که صاحب نظران و اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش با کمک معلمان و مربیان با بهره گیری از اعتقادات، قرآن و جهان بینی اسلامی و روایات معصومین (ع) فلسفه تعلیم و تربیت کارآمدی که پاسخگوی نیازهای روز دانش آموزان و مربیان باشد را تدوین نمایند.

۲. چالش ساختار و چارچوب در امور تربیتی:

امور تربیتی برای انجام رسالت و مأموریت های خود به ساختار و چارچوب مشخص، مورد توافق و راهبردی پویا نیاز دارد. گرچه تغییر در ساختار و تشکیلات امور تربیتی پس از احیاء معاونت پرورشی آغاز شد و در واقع برای اثربخشی این ساختار یک مهندسی صورت گرفت اما برای مبنا قرار گرفتن در مدیریت و برنامه ریزی فعالیت های پرورشی کافی و وافی نبوده است. گواه این مدعا، عدم طراحی راهبردی مدون، برای تربیت دانش آموزان است. هنوز به پرسش ها در مورد چارچوب کاری معاونت پرورشی پاسخ داده نشده است، نمونه بارز آن چالش «برنامه درسی» است.

جایگاه تربیت دانش آموز در قالب برنامه درسی چگونه تعریف شده و آیا فعالیت های تربیتی دانش آموز صرفاً به ساعت پرورشی، غیردرسی، فوق برنامه است. علی هذا، ساختار باید تلفیقی از آموزش و پرورش و مشارکت همه عوامل اثرگذار در بحث تربیت باشد (داوودی، ۱۳۹۷: ۱۱).

۳. چالش های برنامه ای در امور تربیتی:

امروز مربیان تربیتی نمی دانند که چه رویکردی برای اجرای برنامه های متزلزل و غیرعلمی و فی البداهه تربیتی انتخاب کنند؟ آیا برنامه ریزی های فعلی می تواند به تعمیق اهداف تربیتی کمک کند؟ آیا ساختار تربیتی مدرسه با مأموریت های آموزش و پرورش به ویژه حوزه پرورشی همخوانی و تناسب دارد؟

مدیریت و برنامه ریزی ها چه اندازه بین مأموریت های تربیتی و سایر بخش های آموزش و پرورش پیوند هم افزایی ایجاد نموده است؟

یا این که مدیریت ها و برنامه ریزی ها براساس سلیقه ها و نظرات هر چند غیرکارشناسی رؤسای ادارات آموزش و پرورش بوده است؟ آیا در این زمینه با معاونین و مربیان پرورشی تبادل نظر صورت می گیرد؟...



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بنابراین برآیند این استراتژی‌ها موجب کاهش اثربخشی و کارایی تربیتی مدارس شده است و هرگز پاسخگوی نیازها و تحولات روزافزون تربیتی و فرهنگی دانش‌آموزان نخواهد بود.

امور تربیتی یک نهاد فرهنگی تلقی می‌شود و باید همواره مورد ارزیابی قرار گیرد تا اثربخشی آن ارتقا یابد. آسیب‌شناسی وضعیت موجود می‌تواند شکاف‌های نظری سازمانی و تجربی را سامان داده و با تجزیه و تحلیل مبانی نظری و راهبردی، کارکردهای امور تربیتی را متناسب با مأموریت‌ها و چشم‌اندازهای آینده تهیه و ترسیم نماید (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲).

۴. چالش مأموریت‌ها و نیروی انسانی:

تداخل مأموریت‌ها و برنامه‌ها، مدیریت و نظارت بر نیروهای انسانی و همین‌طور برنامه‌ها در مدارس را با مشکل مواجه ساخته است. معیارها و شاخص‌های مناسب برای تحلیل و ارزیابی وضعیت تربیتی دانش‌آموزان برای سنجش کارکرد تربیتی مدارس در دست نیست.

کشف استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان و جهت‌دهی به این استعدادها برای حضور در کانون‌های فرهنگی، مذهبی، ورزشی و ... شناسایی دانش‌آموزان مشکل‌دار تربیتی و تلاش جهت حل مشکلات آنان و داشتن مهارت‌های لازم جهت ایجاد و پرورش مهارت‌های دانش‌آموزان برای زندگی بهتر و امثال آن توقعاتی است که آموزش و پرورش از مربیان و معاونین پرورشی دارد. این در حالی است که فقدان مهارت کافی مربی در یکی از این کارکردها موجب کاهش محبوبیت وی می‌شود که به دنبال خود مشکلات روحی، انگیزشی و کاهش رضایت شغلی برای او ایجاد می‌کند. حجم و تراکم کار و کمبود زمان و مکان برای انجام هر یک از وظایف انبوه پرورشی به صورت کمی و کیفی موجب شده است که:

الف- فعالیت‌ها مقطعی انجام شود.

ب- فعالیت‌ها جنبه صوری و ظاهری به خود بگیرد.

ج- فعالیت‌ها محدود به کاغذبازی و مستندسازی شود.

د- مربی تمایل به خروج از حوزه پرورشی به سمت حوزه آموزشی داشته باشد و مواردی دیگر...

تنوع غیرمنطقی فعالیت‌های پرورشی شاید یکی از دلایل عمده افت کیفیت کار مربیان و معاونین پرورشی شده است. یکی دیگر از چالش‌های مأموریتی مربیان پرورشی؛ عدم «روزآمدی» آنان است فقدان تغییر متناسب با مسائل فرهنگی و اجتماعی روز جامعه، به نوعی بحران در حوزه پرورشی دامن زده است. شاید یکی از دلایل غیرسیاسی حذف معاونت پرورشی این قضیه بوده باشد.

یکی دیگر از مهمترین چالش‌های انجام رسالت «امور تربیتی» در حاشیه قرار داشتن امور پرورشی در بدنه آموزش و پرورش می‌باشد و همین عامل موجب شده که هر ساله از تعداد دانش‌آموزان متقاضی شرکت در فعالیت‌های پرورشی کاسته شده و فعالیت‌ها از انگیزش و شور و حال و جاذبه لازم برخوردار نباشند.

بطور کلی به نظر می‌رسد معاونت پرورشی در سطح کلان و به تبع آن در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها به نوعی در سلسله مراتب پایین از اهمیت قرار دارد بطوری که بعضاً مشاهده شده که نیروهای غیرپرورشی و ناکارآمد را برای پست معاونت پرورشی ادارات انتخاب می‌کنند که حتی یک ساعت هم کار پرورشی به معنی اخص آن انجام نداده و از نیروهای ضعیف و روزمره بوده که در واقع اقتدار حوزه پرورشی را خدشه دار نموده اند (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۴).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این موضوع به نوبه خود در بسیاری موارد به بی نظمی در برنامه ریزی ها، فعالیت ها و بی رونقی فعالیت های پرورشی و کاهش انگیزه نیروهای کارآمد تربیتی مدارس منجر شده است. متأسفانه بسیاری از مدیران مدارس اطلاع کافی از مبانی و فلسفه امور تربیتی نداشته و بر همین اساس معاونین پرورشی را در امور اداری و آموزشی به کار می گمارند و با این کار، موجب اختلال در کارکرد تربیتی مدارس می شوند.

به دلیل عدم دقت و توجه کافی، بعضاً معاونین و مربیان پرورشی نیز در بحث مسابقات فرهنگی هنری با نوعی ایجاد رقابت منفی و کاذب روبرو هستند چرا که بیشتر بر قهرمان پروری تکیه می شود و مسابقات در مرحله آموزشگاه حذف می شود و نخبه ها از قبل مشخص و معرفی می شوند که این مسأله با نفس اهداف تربیتی مغایرت دارد. موازی کاری و انجام فعالیت های تکراری و ارسال بخش نامه های متعدد از سوی ادارات به ناکارآمدی طرح و برنامه های تربیتی منجر می شود و چون بسیاری از این طرح ها و برنامه ها سلیقه ای و قائم به شخص هستند پس از مدتی با اتلاف هزینه و زمان زیاد، به حال خود رها می شوند. بنابراین لازم است در انتخاب معاونین پرورشی ادارات، توانمندی علمی، تعهد، خوش فکری و امثال آن مورد توجه قرار گرفته تا انگیزش و کیفیت در انجام مأموریت های محوله در مدارس تقویت و افزایش یابد.

۵. چالش خانواده و مدرسه:

آموزش و پرورش در واقع تکمیل کننده «تربیت» دانش آموزان در خانه است در تربیت صحیح دینی نهادهای دیگری از جمله خانواده نقش مهمی دارند. در حال حاضر به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی غالباً توجه خانواده ها به تأمین نیازهای خوراک، پوشاک و مسکن فرزندان معطوف شده است. این شرایط، نقش خانواده در تربیت را تحت الشعاع قرار داده و در گرایش ها و کنش های دینی دانش آموزان تفاوت هایی ایجاد کرده است. عده ای از صاحب نظران معتقدند نقش خانواده در تربیت ۵۰٪ و سایر موارد نیز ۵۰٪ می باشد. اقتضای فطری کودک ایجاب می کند که بیشترین ارتباط را با والدین داشته باشد. از این رو تربیت پذیری کودکان از والدین بسیار عمیق است.

بسیاری از صفات تربیتی که در سنین بالاتر دیده می شود محصول تربیت های ناخواسته والدین بوده است. دانش آموزانی که تارک الصلو می شوند یا به نماز اهمیتی نمی دهند شاید علتش این است که پدرشان با نماز چنین برخوردی داشته است. تعارض و تضاد شیوه های تربیتی والدین و مربیان یک چالش ویرانگر برای دانش آموزان است. نوجوانان به اقتضای دوره سنی، به دنبال دستیابی به پایگاه فکری مستحکم برای خویش اند اما در این راه دچار تعارض می شوند و اینجاست که مربی تربیتی باید به کمک آنها بشتابد تا آنان در بازنگری اندیشه هایشان موفق شوند.

برخی خانواده ها به خاطر نوع تفکر و فرهنگ خود؛ به تربیت غربی و لیبرال گونه دل خوش کرده اند و عده ای دنبال معاش و بسیاری هم فرزندان را به حال خود و یا به مدرسه واگذارده اند. بنابراین خانواده هایی که هوشمند و متعهد نباشند، معاون و مربی پرورشی را برای تربیت اخلاقی و معنوی و رشد و شکوفایی دانش آموزان با موانع عمده روبرو خواهند کرد و قطعاً با در نظر گرفتن شرایط امروز، این موضوع تهدیدی جدی برای باورها، ارزشها و اعتقادات دینی نوجوانان و جوانان است. بدین جهت والدین باید به نقش خطیر و اثرگذار خود آگاه شده و با همگامی و همراهی با مدرسه، مربیان پرورشی را در تربیت دینی یار و یاور باشند (کریمی، ۱۳۹۴: ۱۱).

۶. چالش تضاد نسلی:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در جهان امروز تضاد و تعارض روحیه علمی و دینی نخستین چالش علوم نوین با دین است. از دیدگاه اسلام، علمی مفید است که در آن اندیشه و تفکر وجود داشته باشد. در تربیت دینی مربیان پرورشی بنا نیست دانش آموز را به اوج کمال پیامبر برسانند چرا که توان انسان ها مختلف است. ولی چون پرورش انسان های صالح در زمره اهداف تعلیم و تربیت اسلامی است، ایجاد گسست میان نسل ها تا حد زیادی انرژی مربیان را صرف می کند. مربی در این راستا باید سوالات و نیازهای روز را شناسایی و ارائه طریق کند. آنهم راهی که برای نسل امروز مفهوم باشد؛ زیرا افراط و تفریط در تربیت کارساز نیست. مربی باید مرزها را به دانش آموز بشناساند تا خود او جنبه های مثبت و منفی را ارزیابی کند. نسل جوان زبان خاص خود را می خواهد. پس ظرفیت ها و تناسب زمان و مکان در تربیت باید مدنظر مربی باشد؛ چرا که یکی از چالش های مهم اجتماعی درگیری دو نسل «نوسال» و «جوان سال» با نسل قبل از خود است.

مسئله زمان در تعلیم و تربیت:

با عنایت به آثار ماندگاری که در مورد تعلیم و تربیت به دست ما رسیده است، اولین و مهمترین دیدگاه این است که با توجه به زمان های گوناگون و مسائل زمانه، می توان گفت در برخی از موضوعات و مسائل، تعلیم و تربیت نسبی است. اگر در برخی اصول و مبانی ثابت تعلیم و تربیت عقیده بر این داشته باشیم که این اصول در همه دوران ها لازم و مفیدند، الزاما چنین است که در بیشتر مسائل، به علت رخداد مسائل نوین و مطرح شدن مشکلات، توقعات، انتظارات و نیازهای تازه، انسان ها به تعلیم و تربیت در این حیطه های جدید نیاز دارند. از این منظر می توان گفت که بسیاری از آموزش ها و پرورش های یک مقطع خاص زمانی، پاسخگوی مقطع دیگر نیست و نیاز به طرح مباحث جدید در مسائل مربوط به تعلیم و تربیت وجود دارد.

تعلیم و تربیت وابسته به مکان و از لحاظ مکانی هم دارای ابعاد نسبی می باشد. برخی اصول و موارد تعلیم و تربیت برای همه مناطق و مکان ها مفید و قابل توصیه است، ولی باید توجه داشت که جغرافیای طبیعی و مکان دارای اقتضائات خاص خود است و تعلیم و تربیت ویژه خود را نیازمند است. ابن خلدون، از متفکران جهان اسلام و مونتسکیو از اندیشمندان غربی (در کتاب روح القوانین) به موضوع رابطه جغرافیا (مکان) و اخلاق و تربیت اشاره کرده اند. با ملاحظه این دیدگاه، مربی با اشخاص و شخصیت ها و تنوع روحيات و بالطبع آداب و سنن گوناگون و مقید به مکان یا حداقل برخاسته از محیط های گوناگون مواجه است و باید متناسب با نیازها و پرسش های هر منطقه و نقطه خاص جغرافیایی، برنامه عملیاتی خاصی را برای اجرا طرح نماید و یا دست کم توانایی جرح و تعدیل برنامه های ابلاغی سطوح بالای سازمان را داشته باشد (کمالی، ۱۳۸۹: ۱۱). بدیهی است که بسیاری از توصیه ها و استدلالات متفکران در خصوص موضوعات تعلیم و تربیت متناسب با نیازها و شرایط خاص منطقه جغرافیایی ما نیست و شاید مشکلات و نیاز های ما در این مکان و این جغرافیای خاص چیزی کاملا متفاوت باشد و لاجرم به راهکار های متفاوت محتاج باشیم.

مسئله تفاوت های فردی در تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت غیر از عوامل زمان و مکان، به متغیر تفاوت های فردی نیز وابسته است. ویژگی های روحی و جسمی انسان ها منحصر به فرد است، یعنی در میان بیش از هفت میلیارد انسان در کره خاکی، حتی دو نفر عینا مثل هم نیستند. اگر سر انگشتان همه افراد با یکدیگر متفاوت است، می توان و باید پذیرفت که روحيات، خصائص و ظرفیت های آنها نیز همسان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نیست. از این مسیر هم به تعلیم و تربیت متفاوت، بدیع و نو می رسیم، علی الخصوص اگر به تفاوت های بشر این نکته را هم اضافه کنیم که در فرهنگ دینی، آدمیان باید در مسیر الهی تربیت شوند. از سوی دیگر اگر قرار بر این است که بشر به سوی صفات و اسماء الهی حرکت کند، این مسیر حد توقف نداشته و هرگز محدود نمی باشد. همه موارد پیش گفته گویای پیچیدگی مسیر در کنار چند بعدی بودن وجود آدمی است. اگر بپذیریم که مسیر پر پیچ و خم است و روندگان راه نیز قابلیت های متفاوت دارند، بدیهی است که باید در معرفی راه توجه لازم را داشت و با مطالعه و مراجعه مکرر، بیراهه ها را مشخص و طرق سهل الوصول را توصیف و تبیین کرد. حقیقتا این رسالتی عظیم است که مربی پرورشی به طور اخص و همه مدعیان آموزش و پرورش به طور اعم باید به آن اهتمام ویژه ای داشته باشند.

با عنایت آنچه تاکنون مورد بحث به قرار گرفت، از یک سو چون مخاطبان تعلیم و تربیت در دو نگرش و دیدگاه متفاوت قرار می گیرند، و این جریان همواره مستمر و جاری است، یعنی مرتبا آدم های متفاوتی به افراد آموزش دیده قبلی اضافه می شوند، آشکار است که نسخه همسان، واحد، فراگیر و ثابت تربیتی، همه ابعاد وجودی انسان های مختلف را پوشش نمی دهد. (در عین حالی که وجوه مشترک زیادی وجود دارد که همه آنها را در زیر گروه انسان قرار می دهد، و نسخه های مشترک تربیتی نیز برای این ابعاد وجود دارد) ولی در مواردی که تفاوت ها جدی است، لاجرم نسخه های آموزشی و تربیتی متفاوتی مورد نیاز است و همواره باید با عنایت به زمان و مکان و تفاوت های فردی سعی در بهبود برنامه های پیشین داشت و برای نیاز های جدید و پرسش های نوین و حتی شبهات دشمن، برنامه های عملیاتی مناسبی تدوین کرد.

برنامه عملیاتی و اجرایی در حیطه تعلیم و تربیت و کار مربیان پرورشی می تواند با نیاز سنجی دقیق از مخاطب و نیاز های وی صورت پذیرد. نیاز سنجی در سطحی محدود (مثلا مدرسه یا منطقه) توسط کارشناسان خبره آموزشی و تربیتی صورت می پذیرد و فهرستی از نیاز های مخاطب (که دانش آموز دوره ابتدایی، راهنمایی و یا متوسطه است) حاصل می گردد. یافتن انگیزه مخاطب از ارائه چنین نیازی همواره باید مد نظر کارشناس باشد. در بسیاری از موارد در اجرای برنامه های نیاز سنجی همواره دشواری های خاصی بسته به شرایط محیط و اوضاع فرهنگی و تفاوت ارزشها بروز می کند (سامانی فر، ۱۳۹۵: ۱۴).

لذا باید به این نکته توجه داشت که نیازهای مخاطب لزوما متاثر از شرایط فوق الذکر است و حتی گاهی نیاز های کاذب و کاملا متناقض با ارزش های مقبول جامعه، به عنوان نیاز فرد معرفی می شود و کارشناس امور تربیتی را دچار تردید در اجرا و نتیجه برنامه نیاز سنجی می نماید. هنر برنامه ریز و تدوین کننده برنامه عملیاتی در چنین شرایطی این است که وی بتواند با بررسی هر کدام از نیازها و مقایسه آن با خاستگاه نیاز در جامعه ای که مخاطب در آن زندگی می کند، اولاً به انگیزه مخاطب از ارائه نیاز خاص برسد و ثانيا توانایی این را داشته باشد که با ارائه برنامه های متنوع این نیازهای کاذب را در ارزش های مورد قبول جامعه مستحیل نماید. از این طریق وی به نیاز مخاطب پاسخ گفته و برنامه عملیاتی متناسب با نیاز سنجی را طراحی نموده و در عین حال ارزش های مقبول جامعه را نیز مد نظر قرار داده است.

دلایل ناکارآمدی در اجرای صحیح برنامه های پرورشی به عنوان بخشی از تعلیم و تربیت:

اکثر ناکامی ها در اجرای برنامه های پرورشی از عدم توجه کافی به برنامه نیاز سنجی و ناتوانی در تعدیل برنامه ها و ایجاد توازن بین برنامه و نیاز مخاطب نشات می گیرد. در واقع مربی پرورشی سعی دارد برنامه های ابلغی از سوی سازمان متبوع را به موقع اجرا بگذارد، غافل از اینکه ممکن است در بعضی موارد انگیزه ای برای همکاری در مخاطب برای اجرای برنامه موجود نباشد. چنانکه قبلا نیز اشاره شد این نبود انگیزه به دلیل تاثیر تفاوت های زمانی و مکانی و فردی در برنامه است که برنامه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ریزان و تدوین کنندگان برنامه عملیاتی به لحاظ عدم دسترسی و یا عدم لزوم لحاظ آنها در برنامه های کلان، هنگام تدوین برنامه آنها را مد نظر قرار نداده اند. مربی پرورشی در مدرسه ای که در آن به انجام وظیفه مشغول است، باید یک برنامه ریز و نیاز سنج واقعی باشد تا بتواند با تعدیل برنامه عملیاتی و اجرایی ابلاغ شده توسط سازمان متبوع به اهداف کلان برنامه (البته با لحاظ تفاوت های زمانی، مکانی، و فردی) دست یابد. در این صورت شاید بتوان گفت مربی پرورشی در امر پرورش و ارائه ارزش های متعالی موفق بوده است. در غیر این صورت، صرفا با اجرای مکانیکی بخشنامه ها و قرائت آنها در مراسم آغازین (به فرض که استقبال مخاطب زیاد هم باشد) نمی توان توفیق وی را در اجرای برنامه به صورت مقبول اثبات کرد.

تامل در نکته فوق و تعامل سازنده مربی با مدیر و مخصوصا مشاور آموزشگاه (در شناسایی تفاوت های فردی و بهره بردن از آنها در راستای رسیدن به اهداف در صورت لزوم) می تواند معیاری مناسب برای سنجش میزان توفیق مربی پرورشی و میزان تبحر وی در تعدیل برنامه عملیاتی ابلاغی محسوب گردد. به طور کلی هرچه تعامل مربی پرورشی با این افراد بیشتر باشد، لزوما آگاهی وی از تفاوت های فردی دانش آموزان بیشتر است و بهتر می تواند آنها را در برنامه های اجرایی خود دخالت دهد. تفاوت های مربیان و آموزش دهندگان نیز لاجرم در زمره تفاوت های فردی قرار می گیرد. همان طور که شخص مخاطب دارای تفاوت های فردی و سلیقه های خاص است، مربی نیز واجد این تفاوت هاست. از همین رو تجویز ها و اقدامات اجرایی مربیان نیز با هم متفاوت است. در موضوع آموزش و پرورش مدعیان میدان داری دائما در حال تزایدند و نتیجه آن دسترسی به دیدگاه های متفاوت تعلیم و تربیت است. مربی حاذق و کارآمد از تمام دیدگاه های تعلیم و تربیت درکی کلی دارد ولی در عین حال، این درک کلی خود می تواند در موضوعاتی مانند موضوعات زیر قابل تامل و بحث و مناقشه باشد. اگر دیدگاه های موجود در تعلیم و تربیت را به دو دسته خدایی (دینی) و زمینی (بشری و عرفی) تقسیم کنیم، حتی دیدگاه های تربیتی همه ادیان توحیدی نیز کاملا مثل هم و یکسان نیستند، که اگر چنین بود نیاز به طرح دین جدید خود به خود منتفی بود. شاید به همین دلیل است که ما مسلمانان در عین اعتقاد به نبوت پیامبران پیشین، شریعت و فرامین آنان را برای تبعیت کافی و مجاز نمی دانیم. با این دیدگاه مربی پرورشی می تواند به روش ها و تعلیم و تربیت گوناگون برسد که لاجرم باید حداقل متناسب با نیازهای زمانی، مکانی، و فردی بهترین پاسخ ها را توصیف، تحلیل، تاویل، و ارائه نماید (رستگاری، ۱۳۹۸: ۲۲).

با توجه به تفاوت کلی فوق، واضح است که تفاوت ها در افکار و روش های مربیان تنها در حیطه دین کامل اسلام قابل توجیه است و شخص مربی مجاز به داشتن سلیقه و روش متفاوت تنها در این حیطه است. وجود سلیقه ها و روش های متفاوت هم به شرط آنکه در زیر اصل کلی دین اسلام و اصول مترقی آن باشد، نه تنها اشکال آفرین نیست، بلکه در تعامل با سایر دیدگاه ها می تواند به بهترین وجه نمود پیدا کند. البته نا گفته نماند که تفاوت در افکار و سلیقه خود باعث اندکی تفاوت در روش اجرا خواهد بود. دستور العمل ها و بخشنامه ها از سوی سازمان به یکسان در اختیار مربیان قرار می گیرد. تاویل ها و تفسیر های متفاوت مربیان، در واقع محمل اجرایی دستور العمل هاست و هر چه این محمل پخته تر و به سامان تر و بهره مند از خرد جمعی باشد، نتیجه کار بهتر و اطمینان از حصول اهداف بیشتر خواهد بود.

تجربه کار مربیان پرورشی در برخورد با نگرش ها و سلیقه ها و دیدگاه های گوناگون همکاران و دانش آموزان نیز می تواند کمک حال بسیار مناسبی برای اجرای هر چه بهتر دستور العمل محسوب گردد. در این صورت مربی پرورشی از طریق تجربه خود به خرد جمعی رسیده است. حصول این خرد جمعی در همکاران مربی که تجربه کافی ندارند، جز با مشورت با همکاران و استفاده از نظرات آنان مقدور نمی باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نامطلوب ترین وضعیت در کار یک مربی پرورشی در مدرسه آن است که دستور العمل ها و برنامه های ابلاغی سازمان متبوع را که با تفکر و اندیشه ارائه شده (و فقط نیاز به تعدیل در شرایط زمانی و مکانی و فردی دارد) به صورت تفسیر به رای تعبیر شود و تصور رود مقصود و هدف تدوین کنندگان دستور العمل ها همانی بوده که مربی پرورشی در نظر دارد و فهمیده است. آشکار است که اجرای برنامه با چنین دیدگاهی چقدر می تواند در عدم دستیابی به اهداف و چه بسا دور شدن از آنها موثر باشد. شاید اگر مربی پرورشی در مواردی این چنین خرد جمعی را به کمک بطلبد و در شورای معلمان و یا شورای آموزشگاه مفاد دستور العمل را به نظر حاضران برساند و متواضعانه (که بدبختانه در ادبیات آموزش و پرورش واژه تقریباً غریب مانده ای است!) طالب کمک فکری باشد، بهتر بتواند به اهداف مورد نظر دست یابد.

روش های آموزش و پرورش و الگوها و مدل های تعلیم و تربیت:

اگر از تغییرات و تحولات در مواد آموزشی و محتوای تربیتی نیز چشم پوشی کنیم، ثابت نبودن روش ها، شیوه ها و الگوهای مربوط به تعلیم و تربیت از دلایلی است که مربی را وادار می کند به نحو مناسب تری در مقوله های تعلیم و تربیت نظر افکند. به واقع شاید روش های گذشته و کهنه برای ایجاد تحول فکری و قلبی مساعد تشخیص داده نشده و روش های جدید تربیتی پیشنهاد شوند که از هر لحاظ جامع تر و موثرتر باشند.

ذکر مثال مناسبی در اینجا می تواند به روشن شدن بحث کمک کند. دیدگاه امام خمینی (ره) در مقدمه کتاب "شرح جنود عقل و جهل" در زمینه مسائل اخلاقی بر این است که: اولاً مقصد قرآن و حدیث تصفیه عقول و تزکیه نفوس است، برای حاصل شدن مقصد اعلاى توحید. غالباً شارحین احادیث شریفه و مفسرین قرآن کریم این نکته را مورد نظر قرار ندادند. و حتی علمای اخلاق هم که تدوین این علم کردند یا به طریق علمی فلسفی بحث کردند مثل کتاب طهاره الاعراق (ابن مسکویه) و اخلاق ناصری (خواجه نصیر) و احیاءالعلوم (غزالی). این نحو تالیف علمی را در تصفیه اخلاق و تهذیب باطن تاثیر به سزا نیست، اگر نگوییم اصلاً و اساساً نیست. ثانیاً کتاب اخلاق، موعظه کتیبیه باید باشد و خود معالجه کند دردها و عیب ها را، نه آنکه راه علاج نشان دهد. کتاب اخلاق آن است که با مطالعه آن، نفس قاسی نرم و غیر مهذب، مهذب و ظلمانی، نورانی شود. و آن به آن است که عالم، در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد و کتاب خود، دواى درد باشد، نه نسخه دوانما. و در آخر ضمن مشکوک تلقی نمودن بعضی از منابع در نسخه بودن، سبک کتاب "شرح جنود عقل و جهل" را به این نحو پیشنهاد می کنند:

نویسنده راه نوشتن کتاب اخلاق را باز کردم که اگر عالمی نویسنده و قادر برتقریر و تحریر پیدا شد، این طرز بنویسد. دیدگاه حضرت امام (ره) آن است که در مسائل تربیتی، کتاب اخلاق آن است که با مطالعه آن، نفس قاسی نرم و غیر مهذب، مهذب و ظلمانی، نورانی شود. و آن به آن است که عالم، در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد و کتاب خود، دواى درد باشد، نه نسخه دوانما. با عنایت به این دیدگاه، مربی پرورشی در بالاترین مرتبه باعث می شود غیر مهذب مهذب شود و فقط به ارائه طریق بسنده نمی کند. در واقع خود یک الگوی تمام عیار فرد مهذب است. مرتبه اعلا و هدف غایی تمام اقدامات تربیتی و پرورشی تنها مهذب شدن غیر مهذب است و البته باز هم به کلام امام: و آن به آن است که عالم، در ضمن راهنمایی، راهبر و در ضمن ارائه علاج، معالج باشد (راهبر، ۱۳۹۸: ۳۲).

در راستای لحاظ تفاوت های مربوط به زمان، امام خمینی (ره) به متصدیان یکی از مدارس تذکر می دادند:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بچه های ما را خوب تربیت کردید، فقط یک نکته بوده است که اشکال داشتیم و آن اینکه بچه های ما در هر زمانی موافق آن زمان باید تربیت شوند... برای زمان آتیه، برای اینکه اینها در زمان آتیه باید دست به کار مملکت و کشور شوند. شما بچه ها را از سیاست... دور نگه ندارید (کوثر، جلد ۳، صص ۹-۴۸۸).

آسیب های اجتماعی و فرهنگی موثر در اقدامات مربی پرورشی:

بدون شک یکی از وظایف مربی پرورشی، صرف وقت و انرژی برای دانش آموزانی است که دچار آسیب های اجتماعی و فرهنگی می باشند. در ایجاد این آسیب ها عوامل فردی مانند وضعیت ظاهریو قیافه، جنسیت و سن، عوامل روانی از قبیل نفرت و ترس و وحشت، قدرت طلبی، پرخاشگری و بیماری های روانی، عوامل محیطی مانند شرایط جغرافیایی، کوچه و خیابان و شهر و روستا، عوامل اجتماعی نظیر خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بیکاری والدین و بسیاری عوامل و متغیر های دیگر دخیلند. از جمله مهمترین آسیب های اجتماعی و فرهنگی که ممکن است فرا روی یک مربی پرورشی قرار گیرد، موارد زیر است:

الف. بلندپروازی و لذت جویی:

خصیصه خوشگذرانی و لذت طلبی در نوجوانان (مخصوصا در دوره متوسطه) از جذبه خاصی برخوردار است. آرزوهای بلند، دل مشغولی عجیب و نویی برای آنها می باشد. علاقه به رسیدن به قدرت و عافیت طلبی از نگاهشان دور نیست. زیاده خواهی و بی بند و باری و لالایی گری در آنان احساس خوشی به وجود می آورد و در نهایت بی هویتی و بی هدفی در زندگی و برنامه تحصیل، برخی را به ورطه سقوط می کشاند. در غالب موارد مقابله با این آسیب جدی نیازمند یک برنامه قابل اجرا از سوی مدیریت، مشاور و مربی است. ساده اندیشی خواهد بود اگر تصور کنیم مربی پرورشی به تنهایی از عهده این مقابله برخواهد آمد و راه صلاح را پیش روی مخاطب خواهد گشود، تنها به این دلیل که وی مربی پرورشی است و بخشی از وظیفه اش ارائه راهکار در این موارد می باشد.

ب. دور بودن خانواده از مذهب و معنویت:

همه آموزش ها و برنامه های تربیتی که با تلاش پیگیر مربی پرورشی و مشاور و دیگر عوامل تعلیم و تربیت در مدرسه به مخاطب ارائه می شود، می تواند توسط خانواده ای که ارزش های دینی در نزد وی کمرنگ است، به کلی نابود گردد. بسیار دشوار است ارائه آموزش به گونه ای که در برخورد با این گونه شرایط (که در عین حال ممکن است بسیار نادر هم باشد) دچار اضمحلال نگردد. فرمایش امام خمینی (ره) که در بخش های قبل آمد، گویای این نکته است که وقتی مربی پرورشی و به طور کلی؛ آموزش دهنده در ضمن راهنمایی راهبر و در ضمن ارائه علاج معالج نیز باشد، می تواند مخاطب را به گونه ای آموزش داده و تحت تاثیر قرار دهد که خود مخاطب، منادی ارائه ارزش ها در خانواده شود و در بهترین حالت به عوض تاثیر پذیری از آنها، خود آنها را تحت تاثیر قرار دهد.

در چنین حالتی مخاطب می تواند تاثیرات ناشی از عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزند، بی تفاوتی والدین نسبت به فرزند و بی سوادی آنان که همگی حاکی از عدم کنترل والدین بر فرزندان است، را کنترل کرده و تا حدودی شرایط را تعدیل نماید. اگر دوستان دانش آموز ناراحت و اولیای مدرسه برخوردی قهرآمیز و طردگونه با وی داشته باشند، او نیز به نوبه خود چنین دیدگاه طردآمیزی به دیگران پیدا می کند و از همسالان و مدرسه و اولیای مدرسه بیگانه و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

متنفر و دچار زمینه بحران می شود. امر به معروف و نهی از منکر، دلسوزی و احساس مسئولیت و ارائه مسئولیت به صورت کنترل شده، شاید بهترین روال برای ایجاد ارتباط سازنده با چنین دانش آموزی باشد (کارمن، ۱۳۹۳: ۱۳).

موارد ایراد و اشکال کلی در امور پرورشی:

در این بخش نگارنده با بیان دیدگاه ها و نظرات خود که در قسمت های قبل ارائه شد، می تواند به بعضی موارد اشکال که از منظر این مقاله به امور پرورشی وارد است را به بحث بگذارد. نگارنده تنها واهمه از این دارد که بیان این موارد از سوی فردی که در حیطه کار پرورشی سابقه طولانی ندارد، از راستی و صلاح به دور باشد. با این حال احساس می کند ارائه این موارد خالی از فایده نیست.

این کم رنگ بودن به طوری است که به نظر می رسد نسل جدید کم کم در حال فراموشی این اصل است که اینجا کشوری است که مبارزه با اسرائیل و امریکا و اهداف سلطه جویانه آنان رسماً جزء اهداف انقلابی آن است. چنان که امام خمینی (ره) "ریشه کن کردن اسرائیل" به عنوان یک "عده سرطانی" را به ما آموخته اند.

اصولاً هر اندازه متون و ادبیات این حوزه غنی تر باشد، حساسیت نسبت به مسئله بیشتر شده و شناخت موضوع نوعی آمادگی ذهنی برای اقدام مناسب و موثر محسوب می شود. تمام آنچه که در مورد حیطه کار مربیان پرورشی در مدارس در دسترس است، تنها شرح وظایفی است که به صورت مکانیکی در مدارس اجرا می شود. شاید به جا و مناسب باشد اگر در یک فراخوان عمومی به جمع آوری اندیشه های مکتوب همکاران مربی پرورشی و تجربه های آنها اقدام گردد و حاصل کار به صورت یک سری راهکار پیشنهادی (به همراه مبانی نظری) در دسترس مربیان کم تجربه تر قرار گیرد.

نتیجه گیری

فقط در تحلیل های نارسا و قیاس های نا به جا و کلی گویی های حق به جانب است که بر ابهام همه چیز افزوده می شود و دقایق لازم و ضروری و وجوه افتراق و تشابه و مرز بندی های اصولی از دقتی عالمانه و از ارزیابی اصولی به دور مانده و در هیاهوی گمانه زنی های دور از واقعیت گم می شود. عدم شناخت این مسائل و خلا ناشی از آن عملاً راه باز کردن برای رشد این افکار و تحلیل هاست. برعکس شناخت نسبت به این مسائل به ما کمک می کند تا چند و چون نظریات متقن و غیر متقن را باز شناسیم و عوامل حقیقی و یا کاذبی که باعث پیدایش این نتایج می شود را به درستی درک کنیم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع و مأخذ:

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام در برابر صهیونیسم-مجموعه دیدگاه ها و سخنان امام در باره رژیم اشغالگر قدس، تهران - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۱.
- مرکز اسناد و مدارک علمی، واژه نامه آموزش و پرورش (فارسی-انگلیسی)، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۲.
- اسدی گرمارودی، اسد الله؛ شریف زاده، علی، زیر نظر حمیدرضا حاجی بابایی (۱۳۹۷) "دانشگاه فرهنگیان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. واقع نگاری تأسیس"، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی برهان، انتشارات مدرسه.
- اسکایرو، میشل استفان (۱۳۹۸) "نظریه برنامه درسی دیدگاه های معارض و مسأله های مداوم.
- الن سی، ارنشتاین؛ فرانسیس پی، هانکینز (۱۳۹۶) "مبانی اصول و مسائل برنامه ی درسی، ترجمه: قدسی، احقر، جلد دوم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- داوودی، محمد (۱۳۹۷) "نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه" شماره انتشار، ۱۱، علوم تربیتی، ۹۶.
- رؤوف، علی (۱۳۹۸) "جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت واحد انتشارات.
- رستگار، طاهره (۱۳۹۹) "ارزشیابی در خدمت آموزشی، چاپ اول، چاپ محرر، انتشارات مؤسسۀ فرهنگی منادی تربیت - سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مشهد مقدس، آذرماه.
- شرکای اردکانی، جواد، ریاحی نژاد، حسین؛ رزاقی، هادی (۱۳۹۹) "مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش-راهنمای برنامه های درسی، تهران، نشر موسسه ی فرهنگی مدرسه برهان"، انتشارات مدرسه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۷) "جامعه و تعلیم و تربیت"، چاپ بیست و چهارم، موسسه ی انتشارات امیرکبیر - صحیفه نور، جلد اول، ص ۷۱۱.
- محبی، عظیم (۱۳۹۵) "تبیین یادگیری و آموزش"، چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور.